



## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

موضوع کلی: قاعده لاضرر (تنبیها)

مصادف با: ۱۱ رمضان ۱۴۴۱

موضوع جزئی: قلمرو ضرر - جهت سوم: خوف ضرر - ادله الحاق خوف ضرر به ضرر - دلیل دوم و سوم و چهارم

جلسه: ۵۷

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض کردیم بر الحاق خوف ضرر به ضرر به چند دلیل تمسک شده است. دلیل اول آیاتی از قرآن کریم بود که در جلسه گذشته مورد بررسی قرار گرفت و اجمالاً دلالتش بر مدعا ثابت شد.

#### دلیل دوم: روایات

دلیل دوم روایات است. روایات متعددی در این رابطه مورد استناد قرار گرفته که این روایات در ابواب مختلف فقهی منتشر است. در باب طهارت، صلات، صوم، حج، امر به معروف و نهی از منکر، این روایات قابل پیگیری است. البته آنچه که ما اجمالاً از این روایات ذکر می‌کنیم، ممکن است به نوعی در این ابواب به طور خاص ذکر شده باشد، اما چه بر مبنای مشهور و چه بر مبنای مختار، به نوعی قابل استدلال است.

این روایات بر دو دسته هستند: بعضی از روایات مطلق‌اند به این معنا که در آن‌ها سخن از خوف ضرر به میان نیامده است، اما برخی به اطلاق این روایات تمسک کرده‌اند و از راه اطلاق خواسته‌اند خوف ضرر را ملحق به ضرر کنند. در برخی هم به طور خاص عنوان خوف مطرح شده است.

#### ۱. روایات مطلقه

از روایات مطلقه که در باب طهارت ذکر شده، «صحیحه محمد بن مسلم عن الرضا(ع) قال: سألتُ أبا جعفر (ع) عن الرجل یكونُ به القرحُ و الجراحة یجنب؟ قال(ع): لا بأسَ بأن لا یغتسلَ و یتیممَ»<sup>۱</sup>. محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر (ع) سوال کردم درباره مردی که در بدن او جراحت و زخم وجود دارد و جنب می‌شود، آیا باید غسل کند؟ امام(ع) فرمود: لازم به غسل نیست، بلکه می‌تواند تیمم کند. اینجا سخن از جراحت و زخم در بدن است و امام فرمودند که غسل لازم نیست و تیمم کند. ظاهرش این است چون ضرر دارد می‌تواند تیمم کند. بعد گفته‌اند که این روایت اطلاق دارد و هم ضرر و هم خوف ضرر را در بر می‌گیرد و لذا می‌توان به این روایت استدلال کرد.

#### بررسی

به نظر می‌رسد این سخن صحیح نیست. یعنی آنچه که از این کلام فهمیده می‌شود خود زخم و جراحت است که رافع تکلیف به غسل است اما بحث خوف به هیچ وجه از این روایت استفاده نمی‌شود.

سوال:

استاد: اصلاً خود لفظ اطلاق ندارد به این معنا که چیزی که مشعر به خوف ضرر باشد وجود ندارد به علاوه اینکه اگر در لفظ هم چیزی بود که شامل خوف بود، معلوم نبود که نسبت به آن جهت در مقام بیان باشد.

<sup>۱</sup>. کافی، ج ۳، ص ۶۸، حدیث ۱.

به هر حال به نظر می‌رسد که ما روایتی که باطلاقتها شامل خوف ضرر و دلیل بر الحاق خوف ضرر به ضرر باشد، نداریم. لذا عمدتاً باید برویم سراغ روایاتی که عنوان خوف در آن‌ها ذکر شده است.

## ۲. روایات خاصه

روایت اول: «صحيحه داوود بن سرحان عن الصادق (ع) في الرجل تصيبه الجنابة و به جروح أو قروح أو يخاف على نفسه من البرد؟ فقال (ع): لا يغتسل و يتيمم<sup>۱</sup>». در اینجا به صراحت خوف علی النفس ذکر شده و می‌گوید اگر جراحت، زخم و امثال این‌ها باشد و یا خوف بر خویشتن داشته باشد مثل خوف مریض شدن بواسطه سرما، امام فرموده که غسل نکند و تیمم کند.

روایت دوم: درباره خوف از دزد و یا درنده است. روایت اول در مورد خوف از سرما بود که رافع تکلیف به غسل طبق نظر مشهور بود. البته ما هم به نوعی ممکن است به این روایت أخذ کنیم یعنی به عنوان دلیل خاص، می‌توان به استناد این روایت در خوف بر نفس گفت که این شخص به جای غسل، تیمم کند و تکلیف به غسل برداشته می‌شود. حالا آن‌ها می‌خواهند از قاعده لاضرر این استفاده را بکنند ولی ما می‌گوییم از خصوص این روایت می‌توان این استفاده را کرد.

اما نسبت به دزد و یا درنده، روایتی از عبدالرحمن بن ابی عبدالله (ع) است که می‌گوید: «سألتُ عن أبا عبدالله (ع) عن قول الله عزَّ و جلَّ فإن خفتهم رجالاً أو ركبناً كيف يصلي و ما تقول إن خاف من سبعٍ أو لصٍ كيف يصلي؟» می‌گوید از امام صادق (ع) درباره این آیه پرسیدم که اگر خوف باشد چطور رجالاً یا ركبناً نماز بخوانیم و نظر شما درباره کسی که خوف از دزد و یا درنده دارد چیست و چگونه باید نماز بخواند؟ حضرت (ع) فرمود: يكبر و يؤمى برأسه ايماً. تكبير بگوید و با سرش ایماء و اشاره کند برای رکوع، سجود و اجزاء و ارکان نماز. در اینجا هم خوف از «سبعٍ أو لصٍ» مطرح شده است و تکلیف به صلات و همه چیزهایی که در نماز معتبر است برداشته شد و به صلات اشاره اکتفا شده است. در این مورد روایات متعدد داریم که فقط به یک مورد اشاره شد.

روایت سوم: در روایتی از ابی بصیر وارد شده که می‌گوید: «سمعتُ أبا عبدالله (ع) يقول: إن كنت في أرضٍ مخافة و خشية لصاً أو سبعاً فصلِّ الفريضة و أنت على دابتك<sup>۲</sup>». این روایت در مورد صلات خوف است که در دلش خوف از دزد یا درنده دارد و باعث شده که بر روی مرکب نماز بخواند.

روایت چهارم: محمد بن اسماعیل قال: سألتُه فقلتُ اكون في طريق مكة فنزل للصلاة في مواضع فيه الأعراب (اشاره به کفار و بادیه نشین هایی دارد که آزار می‌دهند) أنصلي المكتوبة على الأرض و نقرأ أم الكتاب وحدها أم نصلي على الراحلة و نقرأ فاتحة الكتاب و السورة؟ فقال (ع) إذا خفت فصلِّ على الراحلة المكتوبة و غيرها و إذا قرأت الحمد و السورة أحبُّ إليَّ و لا أرى بالذی فعلت بأساً<sup>۳</sup>.

۱. تهذیب، ج ۱، ص ۱۸۵، حدیث ۵۳۱. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۴۸، باب ۵ از ابواب تیمم، حدیث ۳۸۳۱.

۲. کافی، ج ۳، ص ۴۵۶، حدیث ۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۵، حدیث ۱۳۴۵. تهذیب، ج ۳، ص ۱۷۲، حدیث ۳۸۱. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۴۲، باب ۳ از ابواب صلات الخوف.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۵۷، حدیث ۵. تهذیب، ج ۳، ص ۲۹۹، حدیث ۹۱۱. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۴۹، باب ۶ از ابواب صلاة الخوف.

روایت پنجم: نظیر همین مطلب را در باب احرام حج هم داریم که اگر خوف از دشمن باشد، می‌تواند سلاح همراه داشته باشد در حالی که حمل سلاح در حال احرام جایز نیست. «محمد بن حسن باسناده عن سعد بن عبدالله عن أبي جعفر یعنی أحمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن ابی عمیر عن حماد عن عبیدالله ابن علی الحلبی عن ابی عبدالله (ع) قال: الْمُحْرِمُ إِذَا خَافَ الْعَدُوَّ يَلْبِسُ السَّلَاحَ فَلَا كَفَّارَةَ عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>. در این روایت هم با اینکه لبس سلاح حرمت دارد، اما با خوف نسبت به چنین موضوعی می‌توانند سلاح را حمل کند.

روایت ششم: در روایت دیگری از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) وارد شده «الْمُحْرِمُ إِذَا خَافَ لَيْسَ الصَّلَاحُ»<sup>۲</sup>. روایت هفتم: در باب امر به معروف و نهی از منکر هم می‌توانیم روایاتی را در این رابطه ذکر کنیم. از جمله روایتی که از امام رضا (ع) در عیون اخبار الرضا وارد شده؛ «و الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ إِذَا أَمَكْنَ وَ لَمْ يَكُنْ خِيفَةَ عَلِي النَّفْسِ»<sup>۳</sup>. البته سند این روایت به خوبی و قوت اسناد روایات قبلی نیست اما به هر حال از امام رضا (ع) این روایت وارد شده است.

روایت هشتم: نظیرش هم از امام صادق (ع) وارد شده که در خصال آن را ذکر کرده. «عن مولانا الصادق (ع) و الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ عَلِي مِنْ أَمَكْنَهُ وَ لَمْ يَخَفْ عَلِي نَفْسَهُ وَ لَا عَلِي أَصْحَابَهُ». این روایت فقط برای خوف از خویشتن نیست و خوف بر اصحاب را هم اضافه کرده<sup>۴</sup>.

روایت نهم: در باب تقیه هم به صراحت مسئله خوف ضرر مطرح شده و جلسه قبل آن روایت خوانده شد که امیر المؤمنین (ع) فرمود «إِلَّا إِنَّكُمْ سَتُعَرَّضُونَ عَلِي سَبِي فَإِنْ خَفْتُمْ عَلِي أَنْفُسَكُمْ فَسَبُونِي». یعنی اگر خوف بر خودتان دارید مانعی ندارد و می‌توانید مرا سب کنید.

مجموع این روایات نشان می‌دهد که خوف ضرر، خوف مرض، خوف جان، خوف مالی و نسبت به سرقت اموال، خوف نسبت به حمله دشمن؛ یعنی هر خوفی که نسبت به انسان و ما یتعلق بالإنسان من المال... باشد معتبر است. البته ما این را بحث می‌کنیم که دامنه ضرر شامل عرض هم می‌شود یا نه اما اجمالاً این انواع برای خوف متصور است و به حسب این روایات، خوف رافع تکلیف است و ملاحظه هم فرمودید که به استناد این روایات، در صورت خوف، تکالیف رفع می‌شود.

طبق نظر مشهور مسئله معلوم است. به طور کلی آن‌ها معتقدند که خوف ضرر هم مانند ضرر رافع تکلیف است و این را از قاعده لاضرر هم استفاده می‌کنند که این را ما بعداً جزء ادله هم ذکر می‌کنیم. اما طبق مبنایی که ما اختیار کردیم، درست است که لاضرر نفی حکم ضرری نمی‌کند، اما حداقلش این است که این روایات در این موارد خاص، (چنانچه سند روایات را بپذیریم (در هر موردی) و دلالتش تمام باشد)، دلالت بر نفی تکلیف به خصوص در آن مورد نص می‌کند.

سوال:

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۳۸۷، حدیث ۱۳۵۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۵۰۴، باب ۵۴ از ابواب تروک الإحرام.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۸، حدیث ۱۰۰۴. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۵۰۴، باب ۵۴ از ابواب تروک الإحرام.

۳. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۵.

۴. خصال، ص ۶۰۹.

استاد: نه طبق مبنای ما. اینکه می‌گوییم طبق مبنای ما، عرض کردم مثلاً در باب تقیه به صراحت بیان شده و اصلاً مشروعیت تقیه مبتنی بر خوف است. تقیه خوفی و اکراهی اساسش بر این استوار است. اما در مورد تکلیف، نه؛ حتی اگر در یک موردی یک تکلیف خاصی باشد که در آن خوف ضرر باشد اگر دلیل بر آن نباشد، آن را می‌توانیم به شرط اینکه سر از حرج در بیاورد نفی کنیم.

سوال:

استاد: نه خوف حرج بلکه خود حرج. خوف ضرر ممکن است منجر به حرج شود. این دو مسئله است و اصلاً بحث خوف حرج نیست. می‌گوییم خوف ضرر چرا معتبر است و تکلیف را بر می‌دارد؟ لقائل آن یقول کما قیل که بعداً می‌گوییم که این بخاطر لاجرح است.

سوال:

استاد: این را عرض می‌کنیم که مرحوم آقای حکیم و بعضی دیگر استناد کردند به لاجرح برای اعتبار خوف ضرر در جایی که ضرر مالی در استطاعت مربوط به حج باشد.

سوال:

استاد: نه ما می‌گوییم خوف ضرر هم تکلیف را بر نمی‌دارد.

سوال:

استاد: ببینید دوتا بحث است. ادله لاضرر از دید آن‌ها نفی حکم ضرری می‌کند. می‌آییم سراغ خوف ضرر، اینها می‌گویند خوف ضرر هم ملحق به ضرر است. یعنی اصل اینکه ضرر رافع تکلیف است را پذیرفته اند، بعد خوف ضرر را ملحق به ضرر کرده اند. چون یک دلیلش روایات است ولی فقط این دلیل نیست بلکه عقل و ... هم داریم.

سوال:

استاد: احکام بر دو دسته اند، احکام تکلیفی و وضعی. ما می‌خواهیم ببینیم که خوف ضرر احکام تکلیفی را بر می‌دارد و احکام وضعی را هم بر می‌دارد یا نه؟ در مورد هر دو می‌توان بحث کرد. اما ببینید در ابواب عبادات تکالیفی را داریم. در باب نماز، طهارت، عبادت، حج، جهاد و خیلی از امور. یکوقت در همین ابواب با ملاحظه همین روایات می‌گوییم خوف ضرر تکلیف را برداشته. مثلاً در باب صلات چندین تکلیف داریم؛ به چه دلیل الغاء خصوصت کنیم و در هر جایی خوف را ملاک قرار دهیم و تکلیف را برداریم؟

سوال:

استاد: می‌گوییم طبق مبنای آن‌ها همانطوری که ضرر رافع تکلیف است، خوف ضرر هم رافع تکلیف است.

سوال:

استاد: به نظر آن‌ها اصلاً ادله لاضرر شامل خوف ضرر هم می‌شود.

دلیل سوم: اجماع

ادعای اجماع شده بر اینکه خوف ضرر در برخی مواضع مانند خود ضرر رافع تکلیف است. در ابواب مختلف چنین ادعایی شده است. به عبارت دیگر ما در جایی نداریم که کسی از بزرگان ادعای اجماع کرده باشد که خوف ضرر ملحق به ضرر است. یعنی معقد اجماع با این عنوان نداریم اما در موارد خاص بعضاً چنین ادعاهایی شده.

مثلاً صاحب جواهر بر اینکه یکی از اسباب مجوز تیمم به جای وضو یا غسل، خوف است، ادعای اجماع کرده. مضمون حرفش این است که سومین سبب از اسباب تیمم و مسوغات تیمم خوف بر نفس یا مال است. خوف بر نفس، مال، دزد، قتل، جرح و یا اذیتی که عادتاً تحملش مشکل است. بعد می‌گوید «من غیرِ خلافِ أَجْدَه بِلِ حُكْمِ الإِجْمَاعِ عَلَیْهِ». یعنی اجماع بر این است که عند الخوف می‌شود تیمم کرد. مثلاً اگر برای اینکه وضو بگیرد باید به جایی برود که دزدها اذیتش می‌کنند، باید تیمم کند و ادعای اجماع بر این مطلب شده.

جالب این است که صاحب جواهر در اینجا می‌گوید که بعضی ادعای اجماع کرده اند اما مع الإختلاف فی معقده. یعنی با اینکه عده ای اجماع را نقل کرده اند، اما در عین حال معقد این اجماع مختلف است. ابن زهره در غنیة می‌گوید (البته این‌ها را صاحب جواهر نقل می‌کند) خوف از عدو مجوز تیمم است. در معتبر گفته شده که خوف بر اهل یا مال از دزد یا درنده. در منتهی گفته شده خوف بر نفس یا مال «مِنَ السَّبْعِ أَوْ الْعَدُوِّ أَوْ الْحَرِيقِ». ولی در عین حال این عبارت را از مرحوم علامه هم می‌آورد که «ذَهَبَ عَلَمَانَا أَجْمَعُ إِلَى أَنَّهُ إِذَا خَافَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ اسْتِعْمَالِ الْمَاءِ فَلَهُ التَّيْمُمُ». در اینکه معقد اجماع چیست و متعلق خوف چیست اختلافاتی به چشم می‌خورد اما قدر مشترک در همه این‌ها این است که همه می‌گویند اگر خوف وجود داشته باشد، می‌تواند تیمم کند. یا مثلاً در مورد کسی که آبی دارد و میبیند اگر این آب را برای وضو مصرف کند، عطش برایش به وجود می‌آید و بدون آب می‌ماند<sup>۱</sup>.

.... بالاخره بعضی در این مسئله هم ادعای اجماع کرده‌اند محصلاً و منقولاً. صرف نظر از این موارد، اینجا ادعای اجماع شده و در موارد دیگری هم ممکن است ادعای اجماع شده باشد. به هر حال ادعای اجماع شده به طور خاص در آن موارد مثلاً اگر در اینجا خوف ضرر باشد تکلیف ساقط می‌شود. چه بسا کسی از این ادعاهای اجماع این را استفاده کند که پس معلوم می‌شود اجماع وجود دارد بر رفع تکلیف در جایی که خوف ضرر وجود دارد.

#### بررسی دلیل سوم

این مشکل است و نمی‌شود این اجماع را پذیرفت که به طور کلی ما اجماع بر الحاق خوف ضرر به ضرر داریم. اجماعی هم در این موارد به طور خاص ذکر شده را نمی‌توان تعمیم داد و به عنوان اجماع در همه موارد استفاده کرد و مهمتر اینکه دلیل و مدرک همه این اجماعات روشن است. لذا دلیل سوم چندان قابل قبول نیست.

#### دلیل چهارم: عقل

از دید عقل، خوف ضرر هم به نوعی ملحق به ضرر است. به این بیان که از دید عقل دفع ضرر محتمل واجب است و خوف ضرر، چیزی جز احتمال ضرر نیست منتهی این یک احتمال عقلایی است. عقل دفع ضرر محتمل را واجب می‌داند...

#### بررسی دلیل چهارم

<sup>۱</sup>. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۱۰۳.

تنها چیزی که باقی می ماند برای پذیرش دلیل عقل این است که منظور از وجوب دفع ضرر محتمل، ضرر دنیوی است که این خودش محل بحث است که آیا این ضرر دنیوی است یا خیر. اگر شامل ضرر دنیوی هم بدانیم، این چه بسا نسبت به ضررهای خطیر، معتدبه و مهلک باشد و معلوم نیست که دفع ضررهای یسیر از نظر عقل واجب باشد.

سوال:

استاد: بنده دارم عقل را می گویم. بله در خوف ضرر بحث می کنیم. بعضی اصلاً می گویند ضررهای مقطوع دنیوی هم واجبُ الدَّفْع نیست. پس هم از این جهت جای تأمل وجود دارد که شامل ضررهای دنیوی ممکن است نشود البته به نظر بعضی. به هر حال دلیل عقلی بر الحاق خوف ضرر به ضرر چندان قابل قبول نیست.

دو دلیل دیگر هم هست که باید در جلسه بعد مطرح شود و آن هم لاحرج و خود لاضرر است. آیا به استناد لاحرج یا لاضرر می توانیم خوف ضرر را معتبر بدانیم یا خیر که باید در جلسه بعد بحث کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»